

Social Security to Achieve Sustainable Development in the Views of the UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights *and* of Islam

Mohammad Saleh Chitgaran¹

Ali Faghieh Habibi²

Received: 02/01/2022; Accepted: 01/04/2022

Hosein Rezaie³

Abstract

Achieving sustainable development requires the utilization of a variety of financial, human, technical and scientific resources. In this vein, *social security* can be utilized as a means of resource procurement. It is not, however, explicitly mentioned in any of the documents on sustainable development. Recruiting a descriptive, analytical and comparative design, the present study investigates the bases, scope and mechanisms of social security in achieving sustainable development in the views of Islam and the UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (hereinafter the UNCESCR). Social security has been identified and addressed frequently in the verses of the Quran and the Hadith. Yet, despite the provisions of the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (hereinafter the Covenant), social security has not been properly addressed at the international level. Finally, the Covenant's approach to social security and the actions taken by the UNCESCR as the oversight body of the Covenant to link social security and sustainable development, how social security can be utilized in so doing, and the eminence of social security in Islam are further analyzed in the study.

Key words: Sustainable Development, Social Security, Human Rights, UNCESCR, Social Protection, The Covenant.



¹ PhD candidate in Public Law, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author; Email: faghieh.habibi@gmail.com)

³ (Invited Lecturer) Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

بهره‌گیری از تائین اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار در دیدگاه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل و اسلام

محمد صالح چیت‌گران^۱
تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ علی فقیه حبیبی^۲
حسین رضایی^۳

چکیده

دستیابی به توسعه پایدار نیازمند بهره‌گیری از انواع منابع مالی، انسانی، فنی و علمی است. تامین اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای تامین منابع می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با این وجود در هیچ یک از اسناد مرتبط با توسعه پایدار صراحتاً به آن اشاره نشده است. این تحقیق با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی به دنبال پاسخ به این پرسش است که با مطالعه تطبیقی در دیدگاه اسلام و کمیته حقوق اجتماعی فرهنگی سازمان ملل، در چنین شرایطی چه مبنایی می‌تواند برای در نظر گرفتن تامین اجتماعی به عنوان یکی از سازوکارهای دستیابی به اهداف توسعه پایدار لحاظ شود و دامنه بهره‌گیری از آن برای این منظور چگونه است. براساس آیات قرآن و احادیث، عنصر تامین اجتماعی در اسلام شناسایی و در ابعاد متعدد به آن پرداخته شده است درحالیکه در سطح بین الملل با توجه به وجود دغدغه در این حوزه و مفاد میثاق آنچنان که شایسته است به تامین اجتماعی پرداخته نشده است. در این تحقیق رویکرد میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تامین اجتماعی و اقدامات کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان نهاد ناظر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد ارتباط میان تامین اجتماعی و توسعه پایدار؛ اهدافی که تامین اجتماعی می‌تواند برای دستیابی به آنها مورد استفاده قرار گیرد و نقش تامین اجتماعی در اسلام بررسی شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، تامین اجتماعی، حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی، تکافل در اسلام، حمایت اجتماعی.



۲- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۱- دانشیار گروه حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤل)، رایانامه: faghih.habibi@gmail.com
۳- گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



مقدمه

دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی یکی از دغدغه‌های جهانی است. با کنکاشی در آموزه‌های دینی، این مطلب استفاده می‌شود که دین همان‌گونه که برای حیات فردی انسان برنامه دارد، در خصوص چگونگی زیست اجتماعی، راه‌های تعاون و همکاری، و همبستگی اجتماعی بر اساس راه‌های مقبول در نزد عقلا و نیز برخی راهبردهای تأسیسی برای رفع نیازهای مادی و روحی افراد جامعه نیز برنامه دارد. (حاج حسینی، ۱۳۸۸: ۵۵)

علیرغم تلاش‌های گسترده‌ای که از سوی دولت‌ها به عمل آمده (GA,2000:1)^۱ تاکنون هیچ معاهده بین‌المللی در خصوص دستیابی به توسعه پایدار تدوین نشده و نظام حقوقی آن در بستر اسناد غیر الزام‌آور شکل گرفته است. این اسناد عمدتاً معیارهایی را برای دستیابی به توسعه‌ارایه می‌دهند که در بستر اهداف توسعه پایدار تعریف شده‌اند. اما هیچ اشاره‌ای به ابزارهای دستیابی به این اهداف و معیارها ارایه نمی‌دهند. بدیهی است دستیابی به توسعه پایدار نیازمند بهره‌گیری از انواع مختلفی از منابع و تدوین برنامه‌هایی برای چگونگی بهره‌مندی از این منابع می‌باشد. با توجه به اینکه توانمندسازی یکی از ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. لازم است تا منابع لازم برای قابلیت توانمندسازی و کاهش آسیب‌پذیری نیز مشخص شود.

بهره‌گیری از تامین اجتماعی به عنوان یک حق بشری می‌تواند یکی از سازوکارهای تامین منابع توسعه پایدار در نظر گرفته شود. با این وجود در هیچ یک از اسناد مرتبط با توسعه پایدار مانند اعلامیه حق توسعه ۱۹۸۶، اعلامیه ریو، سند توسعه هزاره اشاره‌ای به

۱ - در همین راستا می‌توان به قطعنامه شماره ۵۴/۲۸۵ مجمع عمومی ملل متحد نیز اشاره داشت که به مساله «بازبینی منابع مورد نیاز برای تامین مالی برای توسعه و سومین کنفرانس در مورد کشورهای دارای پایین سطح توسعه یافتگی اشاره داشت.





این امر نشده و بنابراین تعریفی نیز از تامین اجتماعی به عمل نیامده است. ماده (۳) قانون تامین اجتماعی ایران نیز بدون هرگونه تعریفی صرفاً موارد مشمول تامین اجتماعی را بیان می‌دارد که شامل حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کار افتادگی، بازنشستگی و مرگ می‌شود و با توجه به اهداف و ابزار توسعه پایدار بنظر نمی‌رسد به آن به عنوان سازوکاری برای دستیابی به توسعه پایدار نگریسته شده باشد. کمیساریای عالی حقوق بشر هدف از تامین اجتماعی را فراهم ساختن امنیت درآمد و پشتیبانی از تمام مردم در جریان حیات آنها با توجه ویژه به گروه‌های حاشیه‌ای تعریف می‌کند که برای تضمین حمایت در مقابل فقدان درآمد، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و پشتیبانی ناکافی از خانواده‌ها می‌باشد و معیارهایی همچون دسترسی، کفایت، قابلیت بهره‌برداری و مناسب بودن را برای آن بیان می‌دارد (OHCHR, 2021:1). سازمان بین‌المللی کار در تعریف تامین اجتماعی می‌گوید: «تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کار افتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸: ۶)

علیرغم عدم تصریح، بنظر می‌رسد می‌توان میزانی از غرابت را میان اهداف تامین اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار مشاهده نمود. لذا این تحقق در صدد بررسی این امر است که در چنین شرایطی چه مبنایی را می‌توان برای بهره‌گیری از تامین اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفت، این نهاد چه حقوقی را تحت پوشش قرار می‌دهد و برای دستیابی به کدام یک از اهداف توسعه پایدار می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.





۱. توسعه پایدار و جایگاه مولفه های حقوق بشری

حق توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ از سوی وزیر امور خارجه سنگال نزد مجمع عمومی ملل متحد مطرح گردید. با انعکاس دهه ها قصور کشورها برای دستیابی به اهداف اولیه توسعه پایدار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد توسط وزیر امور خارجه سنگال، وی این قصور را به قصور کشورهای تازه استقلال یافته برای حل عدم تعادل رشد اقتصادی میان جهان توسعه یافته و جهان در حال توسعه منتسب نمود (GA,2017:2) علیرغم اینکه دستیابی به توسعه پایدار یکی از دغدغه های بین المللی بوده است، هیچ معاهده بین المللی که مقرراتی برای تحقق آن پیش بینی نموده و دولت ها را ملزم نماید تا از تعهداتی پیروی نمایند، به تصویب نرسیده است. با این وجود اسناد غیر الزام آور گسترده ای در این خصوص تصویب شده است. تصویب اعلامیه حق توسعه ۱۹۸۶، اعلامیه ریو^۲، سند توسعه هزاره و بسیاری اسناد دیگر را می توان در همین راستا در نظر گرفت. سیر تحول این اسناد نشان می دهد که مولفه های حقوق بشری در گذر زمان جایگاه ویژه ای را در میان اهداف و آرمان های توسعه پایدار به دست آورده اند. این اسناد دستیابی به توسعه را یک حق بشری معرفی می کنند که برخورداری از آن علاوه بر توجه در سطح ملی نیازمند همکاری های بین المللی نیز می باشد. گزارشگر ویژه حق توسعه حتی اعلامیه حق توسعه را ساخته شده بر عمارت منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر معرفی می کند (GA,2017:2).

ماده اول اعلامیه حق توسعه درباره این حقوق بیان می دارد: حق توسعه یک حق بشری غیر قابل انکار است که بر اساس آن هر شخص انسانی و کلیه مردم شایسته مشارکت، سهمین بودن و بهره مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ای هستند که در آن حقوق بشر و آزادی های اساسی به شک کامل بتوانند تحقق یابند. اصل اول اعلامیه ریو نیز، همچون ماده ۱ اعلامیه حق توسعه بر این امر تاکید دارد و اظهار می دارد: «

1 - Declaration on the Right to Development, Adopted by General Assembly resolution 41/128 of 4 December 1986

2 - GA, REPORT OF THE UNITED NATIONS CONFERENCE ON ENVIRONMENT AND DEVELOPMENT, A/CONF.151/26 (Vol. I), 12 August 1992





موجودیت های انسانی در مرکز نگرانی برای توسعه پایدار قرار دارند. آنها شایسته حیاتی سالم و مولد هماهنگ با طبیعت هستند».

اعلامیه توسعه هزاره^۱ هشت هدف را برای دستیابی ترسیم نمود که عبارت بودند از:
 ۱- رفع مطلق و گرسنگی، ۲- دستیابی به آموزش ولیه جهانی، ۳- ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ ۴- کاهش مرگ و میر کودکان، ۵- ارتقای سلامت مادران، ۶- مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری ها، ۷- تضمین پایداری زیست محیطی و ۸- توسعه مشارکت جهانی برای توسعه (WHO, 2015:1).

سند ۲۰۳۰ در خصوص اهداف توسعه پایدار را می توان به عنوان آخرین گام جامعه بین المللی برای ارایه یک الگوی رفتاری پیشنهادی بلند مدت محسوب نمود. در بررسی مساله ی توسعه ی پایدار در افریقا رابطه میان سند ۲۰۳۰ و دستورالعمل اتحادیه افریقایی ۲۰۶۳ یکی از برجسته ترین موضوعاتی است که مورد توجه قرار می گیرد (Casazza, 2015:1). دستورالعمل افریقایی ۲۰۶۳ را می توان به عنوان یکی از مهمترین اسناد اتحادیه ی افریقا در خصوص توسعه دانست. این سند چارچوبی را به هدف راهنمایی برای توسعه ی افریقا در پنجاه سال آینده تدوین کرده است. سند ۲۰۳۰ و آرمان های توسعه ی پایدار به میزان زیادی تحت تاثیر «موقعیت اتحادیه مشترک افریقایی^۳» در خصوص «دستور العمل توسعه ی بعد از ۲۰۱۵» قرار گرفت.

آرمان های مندرج در سند ۲۰۳۰ که شاید بتوان آن را نسخه توسعه یافته سند توسعه هزاره^۵ همراه با نگرانی های کشورهای افریقا در نظر گرفت، حوزه حقوق بشر اقتصاد و محیط زیست را مدنظر قرار می دهند. آرمان های توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ به تصویب



1 - Millennium Development Goals (MDGs)
 2 - African Agenda 2063
 3 - African Common Position on SGDs
 4 - Post 2015 Development Agenda (CAP)

۵ - هشت هدف ضد فقر که مقرر شده بود دنیا تا سال ۲۰۱۵ به آنها دست یابد.



رسیدند و هدف آنها از بین بردن فقر، گرسنگی، بیماری، رسیدن به برابری جنسیتی و دسترسی به آب و فاضلاب بود. پیشرفت‌های عظیمی در راستای آرمان‌های توسعه پایدار به دست آمده است که نشان‌دهنده دستور کاری متحد برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف است. جدای این موفقیت، فقر برای بسیاری از مردم هنوز پایان نیافته است. آرمان‌های توسعه پایدار جدید، و دستور کاری پایدار، فراتر از آرمان‌های توسعه هزاره هستند. این آرمان‌ها با پرداختن به علل ریشه فقر و نیاز جهانی برای توسعه است که برای خدمت برای همه مردم است (UN,2015:1).

برنامه عمل توسعه پایدار ۲۰۳۰ ملل متحد در مجموع ۱۷ هدف را برای توسعه پایدار مشخص می‌کند (UN,2015:1) که عبارتند از: ۱- پایان فقر در تمام اشکال آن در هر جا؛ ۲- پایان گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار؛ ۳- تضمین زندگی سالم و ترویج آسایش برای همه در تمام سنین؛ ۴- تضمین آموزش مناسب و همه‌گیر و ترویج فرصت‌های آموزش بلندمدت برای همه؛ ۵- دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران؛ ۶- تضمین قابلیت حصول بودن و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه؛ ۷- تضمین دسترسی به انرژی‌های مدرن، قابل اعتماد و پایدار برای همه؛ ۸- ارتقای رشد اقتصادی پایدار و همه‌گیر، استخدام کامل و مولد و کار شایسته برای همه؛ ۹- ساخت زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر، ترویج صنعتی شدن پایدار و همه‌گیر و تسریع ابداعات؛ ۱۰- کاهش نابرابری درون و میان کشورها؛ ۱۱- ساختن اماکن و پناه‌گاه‌های سالم، منعطف و پایدار برای همه؛ ۱۲- تضمین الگوهای تولید و مصرف پایدار؛ ۱۳- اتخاذ اقدامات فوری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی و آثار آن؛ ۱۴- استفاده پایدار و حفاظت شده از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار؛ ۱۵- حمایت و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های سرزمین، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با صحرایزی و تخریب زمین و زیان‌های ناشی از صدمه به تنوع زیستی؛ ۱۶- ترویج جوامع صلح‌آمیز و همه‌گیر برای توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی به عدالت برای همه و ساخت نهادهای موثر، مسئول و همه‌گیر در تمام سطوح و ۱۷- تقویت ابزارهای اجرای و حیات مجدد مشارکت جهانی برای توسعه پایدار (UN,2015:1).





همانطور که ملاحظه می شود بخشی از سیر تکامل توسعه پایدار در گذر زمان بر مولفه های حقوق بشری متمرکز بوده است. از این منظر می توان سطحی از همپوشانی را میان مقررات حقوق بشری و توسعه پایدار مشاهده کرد. مواردی همچون حق به غذا، آب آشامیدنی سالم، آموزش، برابری جنسیتی و کار شایسته از مصادیقی از آرمان های توسعه پایدار هستند که در معاهدات حقوق بشری نیز قابل مشاهده اند. با این وجود آیا این همپوشانی به معنای اشتراک می باشد؟

گزارشگر ویژه حق توسعه ضمن راهنمای برای اجرای عملی حق توسعه ارایه می دهد این سند را به عنوان ابزاری برای طراحی، نظارت و ارزیابی ساختار، فرآیند و خروجی سیاست های توسعه ای با انگیزه حقوق بشری¹ معرفی می کند (GA,2019:2). در این گزارش همینطور به قطعنامه شماره ۳۳/۱۴ شورای حقوق بشر اشاره می شود که اجرای حق توسعه شامل پیروی از اصول حقوق بشر بین الملل، از جمله موارد مربوط به عدم تبعیض و آزادی های اساسی ... می شود (GA,2019:2). کمیساریای حقوق بشر نیز توسعه را به عنوان یک حق بشری برای همه به صورت فردی و جمعی نقلی می کند و بر این عقیده است هر کس حق شرکت، مشارکت و بهره مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد که در آن حقوق و آزادی های بشری به طور کامل تحقق یابد (OHCHR,2021:1). کارگروه حق توسعه نیز در گزارش های خود حق توسعه را به عنوان یکی از حقوق بشر و آزادی های اساسی معرفی می کند (GA,2017:2).

پذیرش این دیدگاه ما را در پاسخ به چرایی عدم وجود یک معاهده بین المللی دست کم در رابطه با جنبه های حقوق بشری حق توسعه با چالش مواجه می کند. از جمله می توان به این عبارت گزارشگر ویژه حق توسعه اشاره کرد که بیان می دارد کشورهای باید از تامین مالی سیاست های اجتماعی عبور کنند. این امر نیازمند تغییر گرایش به سمت





خصوصی سازی خدمات اجتماعی از قبیل مراقبت بهداشتی و آموزش است که مسئولیت اولیه دولت ها بر اساس حقوق بشر بین المللی است (GA,2021:9) همینطور می توان به قطعنامه ۳۵/۲۱ شورای حقوق بشر اشاره کرد که مقرر می دارد توسعه و دستیابی به حقوق بشر و آزادی های اساسی وابسته به هم و به طور متقابل تقویت کننده هم هستند. (GA,2017:2)

بنابراین ملاحظه می شود که رویکرد نهادهای توسعه ای متفاوت از رویکرد معاهدات حقوق بشری نسبت به مولفه های حقوق بشری حق توسعه است. در عین حال به لحاظ گستره اجرایی نیز هر چند تعهدات دولت ها در بستر سرزمین یا حوزه تحت صلاحیت آنها تعریف می شود، آرمان های توسعه پایدار فاقد محدودیت جغرافیایی تعریف شده اند. لذا حتی اگر پذیرفته شود که حق توسعه و در بستر تحول آن ، حق به توسعه پایدار به عنوان یک حق بشری در نظر گرفته می شود (که البته فاقد مقرر الزام آور است)؛ باز هم به لحاظ شیوه اجرا و گستره جغرافیایی با دیگر حقوق و آزادی های بشری متفاوت است. بنابراین بنظر می رسد باید میان حق توسعه به عنوان یک حق بشری با ماهیتی غیر معاهده ای ، و ارکان حقوق بشری که ذیل توسعه پایدار بیان شده است با مصادیق مشترک آنها در معاهدات حقوق بشر تفاوت قایل شد. این بدان معنی است که هیچ گونه تعهدی از سوی دولت ها برای بهره گیری از تامین اجتماعی به منظور دستیابی به اهداف و آرمان های توسعه پایدار، دست کم در بستر اسناد مرتبط با توسعه پایدار قابل استخراج نمی باشد. اما این رویکرد می تواند از زاویه دیگر تعدیل شود. هر چند اسنادی که به توسعه پایدار پرداخته اند نمی توانند همسانی میان مولفه های بشری توسعه پایدار و حقوق بشر معاهده ای ایجاد نمایند، اما اگر این رویکرد از سوی نهادهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری ارایه شود، نتیجه می تواند متفاوت باشد. به همین منظور لازم است تا مساله ارتباط میان حقوق بشر و توسعه پایدار از روی دیگر سکه ، یعنی از زاویه دید نهادهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری نگریسته شود. با توجه به ماهیت اقتصادی و اجتماعی ارمان های حقوق بشری مندرج در این اسناد، رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می گیرد.





۲. توسعه پایدار در رویه ی کمیته حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی

ارتباط میان حقوق بشر و توسعه پایدار تنها محدود به روند توسعه و تکامل این نهاد نمی باشد، بلکه نهادهای ناظر معاهدات حقوق بشری نیز ضمن بررسی عملکرد دولت ها و ارائه گزارش های استنتاجی خود ، توجه به اهداف و آرمان های توسعه پایدار را نیز مد نظر قرار داده اند. با توجه به اینکه توسعه پایدار به عنوان یکی از حقوق و آزادی های بشری نه در میثاق حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و نه در هیچ معاهده بین المللی دیگری به عنوان یک حق پیش بینی نشده است ، کمیته حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی که بر اساس قطعنامه شماره ۱۹۸۵/۱۷ شورای اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده است وظیفه نظارت بر گزارش های کشورهای عضو میثاق را بر عهده دارد (ESC,1985:1). با در نظر گرفتن ماده (۱۶) میثاق که دولت ها ملزم به ارائه گزارش هایی در رابطه با اقداماتی اتخاذی و پیشرفت های حاصل در دستیابی به حقوق مندرج در میثاق هستند، بنابراین لازم است بررسی شود کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از چه منظری به این آرمان ها نگریسته است.

۲-۱. پیوند میان حقوق بشر و توسعه پایدار به واسطه اشتراکات موضوعی

اولین زمینه ای که ممکن است برای توجه کمیته حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی به آرمان های توسعه پایدار مدنظر قرار گیرد، وجود اشتراکات موضوعی است. همانطور که پیش از این ملاحظه شد، مولفه های حقوق بشری نیز در میان آرمان های توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته اند و بنابراین این مولفه ها می توانند به عنوان اشتراکات موضوعی زمینه توجه کمیته به توسعه پایدار را نیز فراهم نمایند. علیرغم تفاوت هایی که میان میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظام حقوقی توسعه پایدار وجود دارد ، در رویه کمیته حقوق بشر به کرات مشاهده می شود که در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار مورد تاکید قرار گرفته است. کمیته در موارد مختلفی ، ضمن قسمت پایانی که سایر تقاضاها ،





علاوه بر تقاضاهای مبتنی بر مواد کنوانسیون، اختصاص یافته است؛ از کشورهای عضو میثاق می‌خواهد تا تعهدات ذیل میثاق را کاملاً در نظر داشته و اجرای کامل حقوق مندرج در آن را در راستای اجرای اهداف دستورالعمل توسعه پایدار ۲۰۳۰ در سطح ملی تضمین نماید (CESCR, 2019:10 and 2019:10, and 2018:48, and 2018:8).

این عبارت پردازی که مکرراً مورد توجه قرار گرفته است به این معنا است که در موضوعات مشترک میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آرمان‌های توسعه پایدار، لازم است تا حقوق مندرج در میثاق با در نظر گرفتن اهداف تعیین شده برای آن آرمان‌ها اجرا شود. به عنوان مثال آرمان شماره (۲) توسعه پایدار پایان گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و همچنین ارتقای کشاورزی پایدار است. برای این منظور ۵ هدف تعیین شده است که تا سال ۲۰۳۰ محقق شوند. این اهداف عبارتند از: ۱- پایان گرسنگی و تضمین دسترسی تمام مردم به ویژه فقرا و گروه‌های در وضعیت آسیب‌پذیر، از جمله اطفال به قضای آمین، مغذی و کافی در تمام سال؛ ۲- پایان تمام اشکال سوء تغذیه، شامل دستیابی به اهداف توافق شده بین‌المللی تا سال ۲۰۲۵ در مورد کودکان زیر ۵ سال، تعیین نیازهای تغذیه‌ای زنان و دختران و کهنسالان؛ ۳- دوبرابر شدن تولید و درآورد کشاورزی‌های مولد غذا در مقیاس کوچک از طریق دسترسی ایمن و برابر به زمین و سایر منابع مولد، دانش، خدمات مالی، بازار و فرصت‌ها؛ ۴- تضمین نظام تولید غذای پایدار و اجرای رویه‌های کشاورزی ارتجاعی که مولد بودن و تولید را افزایش دهد؛ ۵- حفظ تنوع ژنتیکی دامنه‌ها و گیاهان و حیوانات پرورشی و اهلی (UN, 2021:1).

این اهداف باید در اجرای ماده (۱۱) میثاق مدنظر قرار گیرد. وفق ماده مذکور: «۱- دولت‌های عضو حق هر کس به استانداردهای کافی زندگی برای خود و خانواده است شامل غذای کافی... و بهبود مداوم شرایط زندگی را به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو گام‌های اساسی را برای تضمین دستیابی به این حق، با به رسمیت شناختن اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی... به عمل می‌آورند. ۲- کشورهای عضو حق بنیادین هر کس را به رهایی از گرسنگی... به رسمیت می‌شناسند». بنابراین اولین برداشتی که می‌توان از رویکرد کمیته کرد این است که در اجرای تعهدات حقوق بشری، لازم است تا در هر





مورد که حق مندرج در میثاق دارای مورد مشترکی با آرمان‌های توسعه پایدار است، لازم است تا در اجرای آن حق اهداف تعیین شده در آرمان‌های توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گیرد. به طور مشابه می‌توان به اشاره کمیته به فعالیت‌های اقتصادی پایدار ذیل حق به کار اشاره کرد (CESCR, 2019:7) که با آرمان شماره (۸) توسعه پایدار، یعنی کار شایسته و رشد اقتصادی همپوشانی دارد.

این رویکرد دو نتیجه را به همراه دارد. نخست اینکه اگر در هر یک از حقوق اقتصادی و اجتماعی مشترک در میثاق و آرمان‌های توسعه پایدار، تامین اجتماعی به عنوان زیر مجموعه‌ای پیش‌بینی شده باشد؛ از این نهاد نه تنها برای دستیابی به حق مذکور در میثاق، بلکه برای دستیابی به آرمان مذکور در توسعه پایدار نیز باید استفاده شود. نتیجه دیگر اینکه دامنه بهره‌گیری از تامین اجتماعی برای تحقق اهداف و آرمان‌های توسعه پایدار تنها محدود به همین اشتراکات موضوعی می‌شود و بنابراین بهره‌گیری از تامین اجتماعی در سایر موارد خارج از تعهدات دولت‌ها می‌باشد.

۲-۲. حقوق بشر و آرمان‌های توسعه پایدار به عنوان ابزار تحقق یکدیگر

رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد این نهاد، به خصوص بعد از تدوین دستورالعمل توسعه پایدار ۲۰۳۰، حتی در مواردی پارا از این نیز فراتر می‌گذارد و توجه به آرمان‌های توسعه پایدار را حتی در مواردی بیش از اشتراکات موضوعی میان حقوق مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اسناد توسعه پایدار مدنظر قرار می‌دهد. در رابطه با اختصاص حداکثر منابع در دسترس برای اجرای تعهدات میثاق نیز در مواردی به تعهدات مندرج در آرمان‌های دستورالعمل توسعه پایدار ۲۰۳۰ اشاره می‌کند (CESCR, 2018:4).

اظهار نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با عملکرد کشور آفریقای جنوبی از این منظر جالب توجه است. کمیته بر این عقیده است که کمک‌های اجتماعی ابزار مهمی برای کاهش فقر در این کشور بوده‌اند و پیشرفت‌های قابل توجهی





در این رابطه در سال‌های اخیر رخ داده است. با این وجود همچنان نرخ فقر در این کشور در سطح بالای ۵۵,۵ درصد در سال ۲۰۱۸ قرار داشته که قابل پذیرش نیست. سطح عواید کمک‌های اجتماعی غیر توزیعی^۱ در این کشور بسیار پایین تر از آن است که تضمین‌کننده استانداردهای کافی زندگی باشد. طرح‌های موجود افراد فاقد درآمد یا با درآمد پایین بین ۱۸ تا ۵۹ سال و افرادی که توان کار کردن دارند را پوشش نمی‌دهد. پوشش صندوق بیمه بیکاری پایین است و کارگران اقتصادهای غیر رسمی، کارگران فصلی و خودکارفرماها را پوشش نمی‌دهد (CESCR, 2018:9). کمیته در کنار توصیه به رفع این مواد دو توصیه دیگر نیز در مورد این کشور به عمل آورده است. نخست اینکه در راستای تعریف حقوق محور مقاله نامه شماره (۲۰۲) سازمان بین‌المللی کار، یعنی «تقاضای سطوح حمایت اجتماعی سازمان بین‌المللی کار»^۲، سطح حمایتی اجتماعی تشکیل دهد و دیگر اینکه کمیته توجه این کشور را علاوه بر تفسیر عمومی شماره^۳ (۱۹) به این مساله نیز جلب می‌کند سطوح حمایت اجتماعی را به عنوان عنصر اساسی حق تامین اجتماعی و آرمان‌های توسعه پایدار در نظر بگیرد (CESCR, 2018:6).

در رابطه با کشور کامرون نیز علاوه بر اینکه کمیته اختصاص منابع مالی و فنی ضروری برای اجرای موثر و پایدار استراتژی‌های استخدام ملی را توصیه می‌کند (CESCR, 2019:5)؛ بر این امر تاکید دارد که «سطوح حمایت اجتماعی» عنصر کلیدی حق به تامین اجتماعی و اهداف توسعه پایدار است (CESCR, 2018:5). موضوعی که در رویه کمیته مجدد نیز تکرار شده است. در رابطه با حمایت اجتماعی این توضیح را ارائه می‌نمایم که یکی از علت‌هایی که ما انسان‌ها به سراغ رابطه اجتماعی می‌رویم، به دست آوردن حمایت اجتماعی است. ما در طول زندگی بارها و بارها از حمایت اجتماعی بهره‌مند شده‌ایم، در غیر این صورت هرگز این توانمندی را نداشتیم که بتوانیم به تنهایی گره تمامی مشکلات را گشوده و از گذرگاه‌های سخت زندگی خود عبور کنیم. در مجموع

1 - non-contributory social assistance benefits

2 - ILO Social Protection Floors Recommendation, 2012 (No. 202)

3 - CESCR, GENERAL COMMENT NO. 191, The right to social security (art. 9), 4 February 2008, UNdoc, E/C.12/GC/19





می‌توانیم بگوییم شش مولفه‌ی کلیدی در حمایت اجتماعی مورد اتفاق نظر بسیاری از اندیشمندان هستند: حمایت احساسی و عاطفی، حمایت ابزاری و فیزیکی، حمایت اطلاعاتی، حمایت در ارزیابی و شناخت، تامین اقتصادی، ترمیم شبکه. ما با هر رابطه‌ای که با افرادی غیر از خود برقرار میکنیم، یک رابطه اجتماعی بوجود می‌آوریم. مجموعه این روابط، شبکه‌ای اجتماعی را بوجود می‌آورد که به هنگام نیاز، نقش یک حامی را برایمان پیدا کرده و ما را از پذیرش اتفاقات ناگوار دور ساخته و یا میزان عواقب ناشی از آن را کاهش میدهد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً در راستای توسعه نقش ملاحظات حقوق بشری در ارکان توسعه پایدار، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به موازات، سعی دارد تا سطحی از هماهنگی را میان این اهداف و حقوق مندرج در میثاق برقرار سازد. رویکرد کمیته نه تنها در رابطه با آرمان‌ها و حقوق مشترک می‌باشد، بلکه پارا از این نیز فراتر نهاده و حتی در مواردی که اشتراک موضوعی میان این دو سند وجود ندارد نیز، به توجه به آرمان‌های توسعه پایدار برای اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به طور متقابل نقش این حقوق در دستیابی به اهداف و آرمان‌های توسعه پایدار نیز تاکید دارد.

در عین حال مشاهده می‌شود که کمیته صراحتاً حق تامین اجتماعی را به عنوان عنصری ضروری برای تحقق توسعه پایدار می‌داند. علاوه بر آن می‌توان به نظر کمیته در خصوص کشور اسپانیا نیز اشاره داشت که «اتخاذ اقدامات ضروری، با مشارکت تمام ذینفعان اجتماعی به ویژه اتحادیه‌های تجاری را برای محو نقایص در سیستم بازنشستگی، به منظور تضمین پایداری در سیستم» را توصیه می‌کند (CESCR, 2018:6). به عبارتی رابطه‌ای دو سویه میان توسعه پایدار و تامین اجتماعی را می‌توان در رویه کمیته همانند مثال فوق‌الاشاره اسپانیا مشاهده کرد. بدین معنا که از یک سو تامین اجتماعی باید در توسعه پایدار لحاظ شود و از سوی دیگر توسعه پایدار در نظام تامین اجتماعی. اما گام بعد





در این تحقیق شناخت بسترهایی است که تامین اجتماعی می تواند برای دستیابی به اهداف و آرمان های توسعه پایدار مورد استفاده قرار گیرد.

۳. تامین اجتماعی در اهداف و آرمان های حقوق بشری توسعه پایدار

پیش از این مشخص شد که اولاً پذیرش توسعه به عنوان یک حق بشری محل ابهام است. دوماً حتی اگر به عنوان یک حق بشری شناخته شود دارای ماهیتی متفاوت از نسل های اول و دوم حقوق بشر می باشد. بنابراین در فرایند تکامل آن به عنوان توسعه پایدار نیز ، علیرغم اینکه مولفه هایی حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است؛ با این وجود نمی توان صرف این تشابه را به معنای یکسانی آنها با حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفت. بنابراین حق تامین اجتماعی را نمی توان به عنوان جزئی از اجزای توسعه پایدار در نظر گرفت و لذا تعهدی برای دولت ها به منظور بهره گیری از این نهاد برای دستیابی به توسعه پایدار وجود ندارد. با این وجود رویه کمیته حقوق بشر نشان می دهد این نهاد میان اهداف توسعه پایدار و تعهد به دستیابی تدریجی به حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ارتباط ایجاد می کند. به عبارتی از منظر کمیته ، دستیابی به حقوق مندرج در میثاق مستلزم توجه به اهداف تبیین شده برای دستیابی به آرمان های توسعه پایدار می باشد. این بدان معنی است که حق به تامین اجتماعی نیز می تواند از این راستا به عنوان ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفته شود.

اما مساله دیگر شناسایی حدود نقش آفرینی حق تامین اجتماعی بر یا دستیابی به اهداف توسعه پایدار می باشد. با توجه به عدم تصریح به این حق در اسناد مرتبط با توسعه پایدار، بنظر می رسد دامنه بهره گیری از این حق نیز محدود به موارد مندرج در میثاق حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و نظرات کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. تامین اجتماعی در میثاق حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی هم به عنوان یک حق مستقل و هم به عنوان ابزاری برای دستیابی به برخی از حقوق مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن کمیته حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نیز از این نهاد به عنوان بخشی از استراتژی های مورد نیاز برای دستیابی به برخی از حقوق مندرج در میثاق بهره گرفته است.





بنابراین در این بستر تامین اجتماعی می تواند به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار قلمداد گردد.

۳-۱. حق به تامین اجتماعی به عنوان یک حق مستقل

تامین اجتماعی در میثاق به عنوان یک حق مستقل به رسمیت شناخته شده است. وفق ماده (۹) میثاق «دولت های عضو میثاق حاضر حق هر کس به تامین اجتماعی، شامل بیمه اجتماعی، را به رسمیت می شناسند». بنابراین این حق می تواند به عنوان یک حق مستقل برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیز در موارد همخوانی با آن اهداف مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر در مواردی که دستیابی به اهداف توسعه پایدار با حق به تامین اجتماعی ارتباط پیدا می کند، دولت ها موظفند تا سیاست های دسترسی به تامین اجتماعی را نیز به عنوان بخشی از سیاست های دستیابی به آن اهداف مدنظر قرار دهند.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با کشور فنلاند «علی رغم استقبال از اطلاعاتی که نشان از افزایش میزان تامین اجتماعی دارد، اظهار نگرانی می کند که توقف آن بر اساس فهرست ملی حقوق بازنشستگان بین سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۹، طبق مقررات ارایه شده پارلمانی منافع آن را نسبت به گروه های آسیب پذیر ناکافی کرده و به شکل نامتناسبی این گروه ها تحت تاثیر قرار داده است». بنابراین کمیته از این دولت می خواهد تا در بازبینی قانون تامین اجتماعی خود تضمین ها کافی باقیماندن سود اجتماعی وارد کند و در عین حال توقف های اعمال شده در چارچوب اقدامات ریاضتی [شامل ملاحظات زیر باشد:

الف- موقتی بوده و تنها دوره بحران را تحت پوشش قرار دهد.

ب- ضروری و متناسب باشد؛ به این معنا که اتخاذ هرگونه سیاست دیگر یا قصور

در انجام آن برای حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی زیان بارتر باشد.

ج- نباید به شکل غیر متناسبی گروه های حاشیه نشین و محروم را تحت تاثیر قرار دهد.





د- مطابق با سایر اقدامات دیگر .. برای کاهش نابرابری ایجاد شده در زمان های بحران باشد؛

و- میزان پایه ای از سود را که ذینفعان را قادر به برخورداری از استانداردهای کافی زندگی می کند را حفظ کند (CESCR, 2021:5).

کمیته در جای دیگر ضمن درخواست افزایش بودجه تامین اجتماعی از کشورهای عضو میثاق می خواهد تا تضمین نمایند سود اجتماعی مطابق با هزینه های واقعی زندگی باشد تا برای ذینفعان استانداردهای کافی زندگی را فراهم سازد. تضمین کند که پرداخت برای این منظور کافی بوده و شیوع بازنشستگان در معرض فقر را کاهش دهد^۱.

حق برخورداری از تامین اجتماعی از این منظر می تواند در راستای حمایت از اقشار آسیب پذیر و ایجاد برابری میان افراد رد دستیابی به توسعه پایدار مدنظر قرار گیرد. نهادهای مختلف حقوقی در چارچوب ملل متحد همچون موسسات مالی توسعه^۲، کارشناس مستقل در خصوص اثر بدهی خارجی و سایر تعهدات مالی بین المللی دولت ها بر بهره مندی کامل از حقوق بشر، به خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳، گروه کاری حق توسعه^۴، گزارشگر ویژه حق توسعه^۵ مورد توجه قرار گرفته است. در کنار آن مساله حقوق بشر و بحران های مالی که از سال ۲۰۰۷، دسترسی به کار، غذای مقرون به صرفه^۶، مسکن، آب و سایر مایحتاج پایه را در معرض تهدید قرار داده باعث گردید تا سیاست های ریاضت اقتصادی کشورها و آثاری که بر برنامه های رفاه اجتماعی و خدمات عمومی، برجای گذارد مورد توجه قرار گیرد. به طور اخص می توان به آثار نامتناسبی که این سیاست ها بر اقشار آسیب پذیر از قبیل فقرا، زنان، کودکان، اشخاص

1 - CESCR, Concluding observations on the second periodic report of Latvia, 30 March 2021, UN Doc. E/C.12/LVA/CO/2, Para.29.

2- Development Finance Institutions

3-Independent expert on the effects of foreign debt and other related international financial obligations of States on the full enjoyment of all human rights, particularly economic, social and cultural rights

4-Open-ended working group on the right to development

5-Special Rapporteur on the right to development

6-affordable food





دچار ناتوانی؛ سالخوردگان، بیماران مبتلا به ایدز، جمعیت های بومی، اقلیت های مذهبی ، مهاجران و پناهنده گان داشته اشاره کرد که واکنش کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در قالب ارسال یادداشت به تمام کشورها به منظور یادآوری تعهداتشان مبنی بر استفاده از حداکثر منابع در دسترس برای اجرای این حقوق را ، حتی در دوران بحران، به همراه داشت. در همین راستا اجلاس کارشناسانی نیز در خصوص حقوق بشر در بحران در ۲۴ و ۲۵ آوریل ۲۰۱۳ تشکیل گردید که بر روش های حقوق محور برای قواعد مالی ، سیاست های مربوط به اقتصاد کلان و بازیافت اقتصادی متمرکز گردید^۱.

بنابراین به نظر می رسد حق به تامین اجتماعی را می توان به عنوان بخشی از سیاست کلی توسعه پایدار در مواردی که موضوع آن سیاست ها وابسته به حمایت از اقشار آسیب پذیر یا توانمندسازی یا برابری میان افراد جامعه است، در نظر گرفت. اما در کنار آن لازم است تا به رابطه تامین اجتماعی و سایر حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه شود.

۳-۲. حق تامین اجتماعی در بستر سایر حقوق

همانطور که گفته شد تامین اجتماعی می تواند به عنوان بستری برای دستیابی به سایر حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نیز در نظر گرفته شود. این مهم هم در متن میثاق و هم در رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است. از سوی دیگر مواردی از مولفه های حقوق بشری را نیز می توان یافت که فاقد ما به ازایی در میثاق هستند ولی مساله بهره گیری از تامین اجتماعی برای دستیابی به آن مولفه ها نیز مورد توجه کمیته حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است (امیری، ۱۴۰۰، ۳۳). بنابراین حق تامین اجتماعی به عنوان ابزاری برای دستیابی به سایر حقوق در دو بستر قابل بررسی است. نخست در بستر حقوق مندرج در میثاق و دیگری در بستر مولفه های توسعه پایداری که در رویه کمیته مورد توجه قرار گرفته اند.





۳-۲-۱. تامین اجتماعی در چارچوب حقوق مندرج در میثاق

تامین اجتماعی به عنوان ابزاری برای دستیابی به برخی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده است. تا جایی که برخی در جهت توسعه آن از آزادسازی صنعت بیمه صحبت به میان آورده‌اند (موسائی، شفیع، ۱۳۹۳: ۳۵). در بستر میثاق می‌توان به حمایت از خانواده اشاره کرد. ماده (۱۰) در چارچوب حمایت از خانواده نیز موضوع بهره‌گیری از تامین اجتماعی را پیش‌بینی کرده است. وفق ماده مذکور «کشورهای عضو میثاق حاضر [موارد زیر را] به رسمیت می‌شناسند:

۱- بیشترین حمایت و یاری ممکن باید به خانواده که واحد گروهی بنیادین طبیعی است، به خصوص برای ایجاد آن و زمانی که مسئولیت مراقبت و آموزش کودکان مستقل را دارد، اعطا شود.

۲- نسبت به مادران، به خصوص در دوره معقولی قبل و بعد از زایمان باید اعطا شود. در این دوره به مادران شاغل باید منافع تامین اجتماعی مناسبی ... پرداخت شود.

کمیته از کشور فنلاند می‌خواهد تا «اقدامات برای حفظ کودکان در تحت حمایت خانواده و تضمین دسترسی خانواده‌ها به اشکال مختلف حمایت در اولویت قرار دهد و در این خصوص درخواست می‌کند که این کشور ظرفیت خدمات مراقبت اجتماعی بازدارنده^۱ را افزایش دهد و تضمین نماید که کودکان فاقد کارت هویت به طور موثری از خدمات مراقبت اجتماعی بهره‌مند شوند (CESCR, 2021:7). حمایت از خانواده و کودکان هر چند در میان آرمان‌های توسعه پایدار به چشم نمی‌خورد، اما یک عنصر اساسی برای دستیابی به توسعه است که در بستر مولفه‌های حقوق بشری توسعه پایدار مستتر است.

علاوه بر آن می‌توان مواردی را نیز یافت که هر چند به صورت صریح در میثاق از تامین اجتماعی برای آنها یاد نشده است، ولی رویه کمیته، تامین اجتماعی را به عنوان ابزاری برای دستیابی به آنها در نظر گرفته است. مساله کار یکی از مواردی است که هم در



1 - reventive social care services,



میثاق و هم در ارمان های توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. آرمان شماره هشت توسعه پایدار ۲۰۳۰ در کنار ارتقای رشد اقتصادی پایدار و استخدام مولد و کامل، کار شایسته برای همه را نیز مورد توجه قرار می دهد. تسریع کار شایسته (UN,2020:1)، پیشگیری از کار کودکان (UN,2021:1) در بستر پلتفرم کار کودکان^۱ از جمله موارد ذیل این آرمان بوده است. حمایت از فعالیت های مولد، خلق شغل شایسته، بهبود اثربخشی منابع در تولید، دستیابی به استخدام کامل و مولد و کار شایسته برای کلیه زنان و مردان از اهدافی است که ذیل این آرمان پیش بینی شده است (UN,2015:1). بهره گیری مشاغل غیر رسمی و خانگی، توسعه و تشویق این مشاغل و کمک به ارتقای آنها می تواند در همین بستر تعریف شود. تامین اجتماعی نیز می تواند برای این امر به عنوان ابزار کمکی در نظر گرفته شود. بنابراین یکی از موضوعاتی که مساله تامین اجتماعی در مورد آن مطرح می باشد، کارهای خانگی است. علیرغم آنکه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریحی در این خصوص ندارد، با این وجود کمیته فقدان اقدامات خاص برای برای حمایت از کار خانگی را از موجبات نگرانی دانسته و از کشورها می خواند تا تضمین کنند کارگران خانگی به آنهایی که عمدتاً برای ارایه مراقبت از اشخاص یا خدمات پشتیبانی استخدام می شوند از همان شرایطی که دیگر کارگران برخوردار هستند، بهره مند باشند. در همین راستا نیز از پوشش تامین اجتماعی که قوانین کشور بلژیک در خصوص کارگران خانگی به عنوان فردی که از اشخاص در خانه را انجام می دهند فراهم نموده اند و از مزایای تامین اجتماعی همانند خدمات درمانی و بازنشستگی بهره مند می شوند؛ استقبال می کند (CESCR, 2020:6). کمیته همینطور از کشورها می خواهد تا امکان دریافت حقوق بیکاری را به عنوان یک اقدام حمایتی برای کارگرا خودکار فرما فراهم سازند (2020:5 CESCR).



یکی از موضوعات مهم در رابطه با تامین اجتماعی مساله دسترسی موثر به آن می باشد. کمیته چالش های دسترسی موثر محروم ترین گروه ها را از موجبات نگرانی مطرح کرده و از کشورهای عضو میثاق می خواهد تا برنامه های تامین اجتماعی را با رویکرد توسعه تدریجی پوشش تامین اجتماعی به خصوص برای گروه های که تحت پوشش نیستند، شمول ارکان غیر مشارکتی^۱، تقویت نظام تامین اجتماعی برای خودکارفرماها^۲؛ بهبود پوشش و خدمات برای اشخاصی که منحصراً در کارهای خانگی بدون مزد مشغول هستند؛ ارتقای حس مثبت کارگران مهاجر به نظام تامین اجتماعی و تدوین اقدامات قانونگذاری و اجرایی مرتبط به منظور تضمین حق همه وابستگان به درخواست، جستجو و دریافت اطلاعات از حقوق خود در مورد تامین اجتماعی تنظیم کنند. جنبه اخیر هم شامل حقوق بازنشستگی حال و آتی آنها می شود (CESCR, 2019:9). علاوه بر آن می توان به حق سلامت نیز اشاره کرد که هم در آرمان شماره (۳) توسعه پایدار و هم در ماده (۱۲) میثاق پیش بینی شده است. مساله بهره گیری از خدمات تامین اجتماعی در رابطه با این حق نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله کمیته از ایجاد خدمات پزشکی رایگان و حمل و نقل عمومی رایگان برای کهنسالان استقبال کرده است (CESCR, 2018:6). لازم به ذکر است از جمله اهداف تامین اجتماعی تأمین هزینه های درمان و تمهید مستمری در ایام بازنشستگی یا ازکارافتادگی است.

۲-۲-۲. تامین اجتماعی در چارچوب اسلام

با کنکاشی در آموزه های دینی، این مطلب استفاده می شود که دین همان گونه که برای حیات فردی انسان برنامه دارد، در خصوص چگونگی زیست اجتماعی، راه های تعاون و همکاری، و همبستگی اجتماعی بر اساس راه های مقبول در نزد عقلا و نیز برخی راهبردهای تأسیسی برای رفع نیازهای مادی و روحی افراد جامعه نیز برنامه دارد، تامین اجتماعی حقی است همگانی که از سوی جامعه و حکومت به رسمیت شناخته شده و به وسیله راهبردهای سلبی و ایجابی برای حمایت از همه افراد جامعه به منظور تأمین نیازهای



1 - non-contributory pillars
2 - self-employed persons



عالی و غیرعالی حیات طیبه بخصوص به هنگام بحران تعبیه شده است. هم تجربه تاریخی جهان اسلام و هم نگاهی به مبانی و مبادی منابع دینی، نشانگر آن است که اسلام برای همه ابعاد وجودی انسان برنامه دارد و از بعد مهم و اساسی چگونگی تأمین نیازهای آتی و آتی او غافل نشده است. اصولاً تأمین همگان به لحاظ مادی - معیشتی و ایجاد رفاه اجتماعی، از کارکردهای مهم حکومت اسلامی است (حاج حسینی، ۱۳۸۸: ۲۹).

در اندیشه اسلامی، لازمه حیات طیبه برخورداری از سطح معیشت مناسب شأن هر فرد تعریف شده است. اصولاً یکی از اهداف و وظایف حکومت تأمین نیازهای مادی است. امیرالمؤمنین پس از به دست گرفتن قدرت آموزه‌های والایی دارد که یکی دیگر از ابعاد نظام سیاسی اسلام را روشن می‌کند: «ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ و إن أدناهم منزلةً إلا لياكل الأبرَّ و يجلسُ في الظلِّ و يشربُ من ماءِ الفُراتِ»؛ احدی در کوفه نیست - هرچند از پایین‌ترین طبقه مردم باشد - مگر اینکه گندم می‌خورد، در سایه می‌نشیند و از آب فرات می‌نوشد. به عبارت دیگر، از تمام شاخص‌های رفاه اجتماعی آن روز برخوردار بوده است (موسائی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

تشکیل جوامع شهری و ایجاد اجتماعات بزرگ مقدمه‌ای در جهت به وجود آمدن شرایطی بود که به «دولتی شدن» و «نهادی شدن» برنامه‌های اجتماعی انجامید. مهاجرت‌ها، جنگ‌ها، بروز بیماری‌های فراگیر و بعضاً صعب‌العلاج، و ازدیاد بی‌سرپرستان، لزوم فراگیر شدن خدمات اجتماعی را نشان می‌داد. نظام سرمایه‌داری جدید و انقلاب صنعتی به خاطر تبعات اجتماعی‌اش ضرورت مسئله را دو چندان می‌کرد. به همین دلیل، مؤسسات و نهادهای دولتی و بین‌المللی در این زمینه قوانینی را وضع کردند که از افراد نیازمند حمایت کند. تکافل (تأمین) اجتماعی آن است که افراد جامعه همدیگر را ضمانت و پشتیبانی نمایند، چه به صورت فردی و یا به صورت جمعی، به وسیله راهبردهای ایجابی (مثل سرپرستی یتیم) یا سلبی (مثل تحریم ربا) به انگیزه شعور و وجدان باطنی که از عمق و مبنای اعتقاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد انسانی در پناه کفالت و حمایت جامعه





زندگی کند و جامعه به کمک فرد بیاید، از آن حیث که همه، همدیگر را کمک می کنند تا جامعه برتر تشکیل شده و ضرر و آسیب افراد دفع گردد. تکافل یک امر دو طرفه است؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند؛ تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی. نکته بسیار مهم این است که تکافل اجتماعی، که از مبانی دینی قابل فهم است، صرفاً برای برآورده ساختن سه نیاز (مسکن، غذا و پوشاک) نیست، بلکه شامل تمام نیازهای مادی و معنوی انسان می گردد. تکافل اجتماعی در اسلام با نگاه فلسفی از بنیادی قوی برخوردار است (ذاکریان امیری، ۱۳۹۴: ۲۴).

هدف از خلقت این است که انسان به تعبیر فلاسفه «استکمال وجودی» پیدا کند و به مراتب وجودی بالاتر دست یابد. این استکمال و اشتداد در وجود بدون تأمین نیازهای مادی و معنوی آن میسر نیست. تکافل به معنای عام - تأمین نیازهای مادی و روحی - برای آن است که انسان «سیر وجودی و استکمالی» خود را بهتر و سریع‌تر طی کند؛ در غیر این صورت، این راه مشکل و یا غیرممکن خواهد شد. به تعبیر قرآن کریم، هدف از خلقت این است که انسان در سایه عبودیت و بندگی خدا به قرب الی الله برسد (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (ذاریات: ۵۶) و این امر زمانی حاصل خواهد شد که انسان دغدغه معاش نداشته باشد تا با خیالی آسوده در راستای وظیفه اصلی خود که همان بندگی است حرکت کند. اگر از منظر فلسفی به جامعه و اجتماع نگاه کنیم، گذشته از مناقشات علمی، قدر مسلم این است که جامعه از نوعی اصالت فلسفی - حداقل به لحاظ منشأ انتزاع خود - برخوردار است. اگر جامعه اصیل باشد و فرد مجاز، نگاه ما در برنامه‌ریزی اجتماعی متفاوت خواهد شد (بالاگیری، ۱۳۹۸: ۴۵). به عبارت دیگر، اینجا دو مکتب فکری ظهور پیدا می کند: یکی مکتب جمع‌گرا که در برنامه‌ریزی اجتماعی، مصالح کل و جامعه را در نظر می گیرد و دیگری مکتب فردگرا، که حقیقت و اصالت را به فرد و فردیت انسان می‌داند و برنامه‌ریزی خود را معطوف به ساحت فردی آن می‌کند. در برنامه‌ریزی اجتماعی، اثبات اصالت جامعه به لحاظ منشر انتزاع کفایت می‌کند. تکافل اجتماعی ناظر به بعد جمعی انسان و جامعه است. به عبارت دیگر، بر اساس نگاه جمع‌گرایانه و مبتنی بر





مکتب جمع‌گرایی می‌باشد که انسان را به عنوان یک جزء بریده از کل و رها شده در اقیانوس نمی‌بیند. با بررسی در آموزه‌های دینی، چنین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً هدف اساسی و اصلی اسلام از برنامه‌های اجتماعی، زمینه‌سازی و ایجاد بستری برای رشد و تعالی همه افراد جامعه به سوی کمال و سعادت حقیقی - که همان قرب الی‌الله است - می‌باشد. ثانیاً حیات طیبه و سعادت‌مند زمانی به وقوع خواهد پیوست که تمام نیازهای مادی و معنوی انسان فراهم شده باشد تا انسان بدون دغدغه خاطر زندگی نماید. انسانی که دغدغه تأمین معاش خود را دارد نمی‌تواند در تدارک اصلاح معاد خود باشد. ثالثاً دین اسلام برای تأمین این هدف عالی، راهکارهای مناسبی در نظر گرفته است که با اجرای آنها سعادت همه شهروندان حکومت اسلامی تأمین خواهد شد، حتی اگر غیرمسلمان باشند. رابعاً در بستر حیات طیبه فقط نیازهای ضروری افراد تأمین نمی‌شود، بلکه حتی نیازهای غیرضروری - مانند عطر لباس - تأمین خواهد شد. نه تنها تعمق در مبانی دینی گویای این واقعیت است که راهبردهای دینی کارساز و عملیاتی است بلکه تجربه تاریخی جهان اسلام نیز گویای این حقیقت می‌باشد. خامساً برای رفع فقر، راه کارهای چندی در نظر گرفته شده است: الف. مسئولیت حاکم جامعه؛ ب. مسئولیت افراد برخوردار؛ ج. مسئولیت حکومت اسلامی از طریق جمع‌آوری زکات، خمس و انفال (نادران، ۱۳۹۱: ۹۴).

۳-۲-۳. رفع فقر

مبارزه با فقر همواره یکی از مهمترین مواردی بوده است که در اسناد مرتبط با توسعه پایدار به آن توجه شده است. هر چند این مهم در میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به چشم نمی‌خورد، با این وجود رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که کاهش فقر به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه این نهاد قرار گرفته است. در واقع کمیته در این خصوص پیوندی را میان میثاق و توسعه پایدار ایجاد کرده است و در این بسترسازی نیز از تأمین اجتماعی به عنوان ابزاری برای مبارزه با فقر بهره جسته است. در واقع کمیته و رویه عملی آن در خصوص تأمین اجتماعی و حمایت





های اجتماعی صرفاً به موضوع رفع فقر پرداخته است که این موضوع نسبت به اهمیت و جایگاه تامین اجتماعی در توسعه پایدار عملاً نشان از مغفول ماندن آن است.

کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی ضمن نگرانی از فاصله موجود میان مناطق روستایی و شهر و شمار زیان اقلیت هایی که زیر خط فقر زندگی می کنند، از دولت ها می خواهد تا تلاش هایشان را برای کاهش فقر ، از جمله از طریق اتخاذ راه کارهای حقوق بشری و سیاست و برنامه های خاص برای بهبود وضعیت مردمان روستایی و اقلیت ها ... شدت بخشد (CESCR, 2020:11) همین از دولت ها می خواهد تا برنامه عمل های ضد فقر خود را بر مبنای رویکرد حقوق بشری تنظیم کنند. و در این راستا تضمین کنند که فواید تامین اجتماعی حمایت برابری را نسبت به تمام اشکال فقر تضمین کرده و به طور ویژه متناسب با نیازهای افرادی که در معرض بیشترین خطر هستند باشد (CESCR, 2019:5).

با این وجود نسبت به اینکه میزان حقوق بازنشستگی زیر خط فقر نسبی باقیمانده و برای فراهم کردن شرایط متناسب با استانداردهای کافی زندگی کافی نیست ، و کمبود کاهش افراد تحت پوشش طرف های توزیعی پرداخت بر اساس قانون ملی مستمری ۲۰۱۵ اظهار نگرانی می کند. لذا از این کشور می خواهد تا برنامه های مستمری توزیعی شامل کلیه کارگران اعم از اقتصادهای غیر رسمی، خودکارفرمایان و غیر اتباع نیز بشود . کمیته همینطور از این کشور می خواهد تا کمک های اجتماعی را به غیر اتباع نیز تسری دهد (CESCR, 2019:6).

نتیجه گیری

در این تحقیق مشاهده شد که مولفه های حقوق بشری به عنوان بخشی از آرمان های توسعه پایدار محسوب می شوند. اسناد مرتبط با توسعه پایدار هر چند به اهداف و آرمان ها توجه دارند، سازوکارهای دستیابی به این اهداف را مشخص نمی سازند. هر چند رویکرد این نهادها بر توجه به بخش خصوصی است، اما باید توجه داشت که تفاوت میان مولفه های حقوق بشری توسعه پایدار با تعهدات حقوق بشری به این معنا نیست که سیاست های





توسعه ای کشورها می تواند بدون اعتنا به تعهدات حقوق بشری دولت ها نگاهش شود. در این میان بهره گیری از ابزارهای کمکی و توانمندسازی همچون تامین اجتماعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اسناد مرتبط با توسعه پایدار هیچ گونه تصریحی بر این امر ندارند که از این نهاد باید به عنوان بخشی از منابع دستیابی به توسعه بهره گرفته شود. با این وجود رویه نهادهای حقوق بشری همچون کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می دهد تفاوت در ماهیت آرمان های توسعه پایدار و حقوق بشر به معنای چشم پوشی از تعهدات دولت ها به حق تامین اجتماعی نیست. همچنین براساس آموزه های اسلامی و مطالب تاکید شده در قرآن و احادیث، دین همان گونه که برای حیات فردی انسان برنامه دارد، در خصوص چگونگی زیست اجتماعی، راه های تعاون و همکاری، و همبستگی اجتماعی بر اساس راه های مقبول در نزد عقلا و نیز برخی راهبردهای تأسیسی برای رفع نیازهای مادی و روحی افراد جامعه نیز برنامه دارد، تامین اجتماعی حقی است همگانی که از سوی جامعه و حکومت به رسمیت شناخته شده و به وسیله راهبردهای سلبی و ایجابی برای حمایت از همه افراد جامعه به منظور تأمین نیازهای عالی و غیرعالی حیات طیبه بخصوص به هنگام بحران تعبیه شده و آن را شناسایی نموده است. این در حالی است که کمیته و فراتر از آن میثاق، ظرفیتی برای تامین اجتماعی در نظر نگرفته اند و کمیته نیز همانند آموزه های اسلامی بایستی به موضوع تامین اجتماعی به عنوان یکی از ابزار های موثر در رشد و توسعه فردی توجه نماید.

رویه کمیته نشان می دهد حق بر تامین اجتماعی چه به عنوان یک حق مستقل و چه به عنوان ابزاری برای دستیابی به حقوق بشر باید در نظر گرفته شود. در مواردی که هم راستایی میان حقوق بشر و آرمان های توسعه پایدار وجود دارد، تامین اجتماعی به عنوان بخشی از سیاست های توسعه ای باید لحاظ شود. این امر نه تنها مربوط به موارد مشترک





می شود، بلکه در رابطه با مولفه های فاقد مابه ازاء در معاهدات حقوق بشری نیز صادق است.

منابع

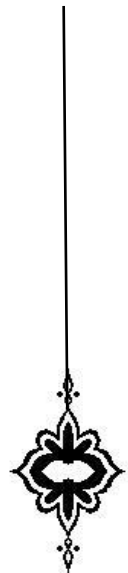
۱. حاج حسینی، حسن، ۱۳۸۸ش، درآمدی بر مبانی تکافل و تامین اجتماعی در اسلام، فصلنامه معرفت، ش ۱۳۹.
۲. موسائی، میثم، شفیعی، زینب، ۱۳۹۳ش، بیمه و تامین اجتماعی در اسلام، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۹.
۳. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۷ش، خلاصه گزارش نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۴. نادران، الیاس، آقانظری، حسن، ۱۳۹۱ش، الگوی تامین اجتماعی صدر اسلام و دلالت های آن برای الگوهای نوین، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۲.
۵. میرازیبی، علیرضا، ۱۳۹۴ش، ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام"، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ش ۸.
۶. بالاگیری، زینب، ۱۳۹۸ش، حق برخورداری از تامین اجتماعی در ایران، اسلام و حقوق بین الملل، دومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ش ۱.
۷. ویژه، محمدرضا، کتابی رودی، احمد، ۱۳۹۶ش، توسعه حقوق تأمین اجتماعی در بستر حق بر توسعه"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ش ۱.
۸. ذاکریان، امیر، سرشته ایزد موسی، فاطمه، ۱۳۹۴ش، حق بر تامین اجتماعی در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۳۰.
۹. امیری، احمد، مبین، حجت، محمد علی، خورسندیان، سیروس، حیدری، ۱۴۰۰ش، مسئولیت مدنی ناشی از آسیب به شخصیت، مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۸، ش ۳.





10. GA, Review of resource requirements for the high-level international intergovernmental event on financing for development and the Third United Nations Conference on the Least Developed Countries, A/RES/54/258, 4 May (2000).
11. GA, Report of the Special Rapporteur on the right to development, 2 August (2017), A/HRC/36/49.
12. Declaration on the Right to Development, Adopted by General Assembly resolution 41/128 of 4 December (1986).
13. GA, Report of The United Nations Conference on Environment and Development, A/CONF.151/26 (Vol. I), 12 August (1992).
14. Millennium Development Goals (MDGs)
15. African Agenda 2063
16. Post 2015 Development Agenda (CAP)
17. GA, Report of the Special Rapporteur on the right to development, 2 July (2019), UNDoc. A/HRC/42/38.
18. OHCHR, Development and human rights, At: <https://www.ohchr.org/EN/Issues/Development/Pages/DevelopmentHumanRights.aspx>, Last seen 28/9/2021.
19. General Assembly, Human Rights Council Thirty-sixth session 11–29 September (2017), Agenda item 3.
20. GA, Promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development, 27 September (2017), UNDoc. A/HRC/36/L.13/Rev.1,
21. HRC, Human Rights Council Thirty-sixth session 11–29 September (2017), Agenda item 3 ; Resolution adopted by the Human Rights Council on 28 September (2017), 6 October 2017, UNDoc. A/HRC/RES/36/9.
22. GA, Human Rights Council Thirty-fifth session: The contribution of development to the enjoyment of all human rights, 20 June (2017). UNDoc. A/HRC/35/L.33/Rev.1.
23. ESC, Review of the composition, organization and administrative arrangements of the Sessional Working Group of Governmental Experts on the Implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights Economic and Social Council resolution 1985/17

- 24.-CESCR, Concluding observations on the third periodic report of Estonia, 27 March (2019) ,UNDoc. E/C.12/EST/CO/3
- 25.CESCR, Concluding observations on the fourth periodic report of Israel, 12 November (2019), UNDoc. E/C.12/ISR/CO/4
- 26.CESCR, Concluding observations on sixth periodic report of Denmark, 12 November (2019), UN Doc. E/C.12/DNK/CO/6.
- 27.CESCR, Concluding observations on the second periodic report of Turkmenistan, 31 October (2018), UNDoc. E/C.12/TKM/CO/2.
- 28.CESCR, Concluding observations concerning the initial report of the Central African Republic, 4 May (2018), UNDoc. E/C.12/CAF/CO/1.
- 29.UN Department of Economic and Social Affairs, <https://sdgs.un.org/goals/goal2>, Last seen 10/1/2021.
- 30.CESCR, Concluding observations on the third periodic report of Senegal, 13 November (2019), UN Doc. E/C.12/SEN/CO/3
- 31.CESCR, Concluding observations on the fourth periodic report of New Zealand, 1 May (2018), UN Doc. E/C.12/NZL/CO/4.
- 32.CESCR, Concluding observations on the initial report of South Africa, 29 November (2018), UN Doc. E/C.12/ZAF/CO/1.
- 33.ILO Social Protection Floors Recommendation, 2012 (No. 202)
- 34.CESCR, GENERAL COMMENT NO. 191 ,The right to social security (art. 9), 4 February (2008), UN Doc, E/C.12/GC/19
- 35.CESCR, CESCR, Concluding observations on the initial report of the Niger, 4 June (2018), UN Doc. E/C.12/NER/CO/1.
- 36.CESCR, Concluding observations on the fourth periodic report of Cameroon, 25 March (2019), E/C.12/CMR/CO/4.
- 37.CESCR, Concluding observations on the sixth periodic report of Spain, 25 April (2018), UN Doc. E/C.12/ESP/CO/6.
- 38.CESCR, Concluding observations on the seventh periodic report of Finland, 30 March (2021), UN Doc. E/C.12/FIN/CO/7.
- 39.CESCR, Concluding observations on the second periodic report of Latvia, 30 March (2021),UN Doc. E/C.12/LVA/CO/2.
- 40.CESCR, Concluding observations on the fifth periodic report of Belgium, 26 March (2020), E/C.12/BEL/CO/5.
- 41.CESCR, Concluding observations on the fourth periodic report of Ecuador, 14 November (2019), UN Doc. E/C.12/ECU/CO/4, Paras.37-38.
- 42.CESCR, Concluding observations on the third periodic report of Slovakia, 14 November 2019, UN Doc. E/C.12/SVK/CO/3.



- 6- Balagbari, Zeinab, (1398) "The Right to Social Security in Iran, Islam and International Law", the Second International Conference on Religious Studies, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World, No. 1,
- 7- Vizhe, Mohammad Reza, Ketabi Rudi, Ahmad, (2017) "Development of Social Security Rights in the Context of the Right to Development", Iranian Social Development Studies Quarterly, No. 1,
- 8- Zakerian, Amir, Izad Musa, Fatemeh, (2015) "The Right to Social Security in International Relations", Quarterly Journal of Political Studies, No. 30,
- 9- Amiri, Ahmad, Mobin, Hojjat, Mohammad Ali, Khorsandian, Sirius, Heydari, (1400 AD) "Civil Liability for Damage to the Personality of Comparative Study in Imami Jurisprudence, Iranian and British Law", Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Law, 8 (3).

